

## یک سال زندان برای سرکوهی

فرج سرکوهی در یک پیام تلفنی که برای همسر و فرزندانش گذاشته بود، اعلام کرد که در تاریخ ۲۷ شهریور ماه محاکمه و به یک سال زندان با احتساب ۲۳۰ روزی که از بازداشتش می‌گذرد، محکوم شده است.

خبرهای مختلف حاکی است که جمهوری اسلامی فعلاً پرونده‌ی ساختگی خود علیه سرکوهی را مسکوت گذاشته و او را به اتهام مسخره‌ای چون تبلیغات سوء علیه رژیم محاکمه نموده است. خانم شیرین عبادی وکیل تعیین شده از سوی مادر فرج، در گفت و گوئی با رادیو بین‌المللی فرانسه ضمن اظهار خوشحالی از این عقب نشینی مقامات قضائی رژیم، اما بعنوان یک وکیل حقوقی و کارشناس قضائی نسبت به روند دادگاهی که غیر علنی تشکیل شده و به او حتی اجازه دیدار با موکلش را نداده‌اند، اعتراض نموده است.

سازمان خبرنگاران بدون مرز نیز طی نامه‌ای به خاتمی، این محاکمه‌ی پوشالی را محکوم کرده و خواستار آزادی بدون قید و شرط فرج سرکوهی شده‌اند.

## اعتراض مدیران جرایم فرانسه

### به محاکمه سرکوهی

خبر غیر رسمی محاکمه‌ی فرج سرکوهی، در اوایل ماه ژوئن گذشته، بار دیگر واکنش و بسیج افکار عمومی اروپا را باعث شد. جامعه‌ی حقوق بشر فرانسه بلافاصله طی نامه‌ای بتاريخ ۳ ژوئن خطاب به هاشمی رفسنجانی (که رونوشت آن نیز برای محمد خاتمی فرستاده شد) از مقامات دولت ایران خواسته بود که محاکمه‌ی سرکوهی بطور علنی و با حضور ناظرین سازمان‌های جهانی و همچنین با رعایت حقوق ابتدایی فرج سرکوهی

مبتنی بر دسترسی او به پرونده‌ی اتهامی و همچنین برخورداری او از حق برگزیدن وکیل مدافع برگزار شود. همزمان مدیران سه نشریه‌ی بزرگ فرانسوی، (Le Monde, Evénement du jeudi, LaCroix) به همراه مدیر سازمان «خبرنگاران بدون مرز» ضمن امضاء اطلاعیه‌ای پشتیبانی خود را از فرج سرکوهی اعلام کردند. این اطلاعیه با اظهار نگرانی نسبت به سرنوشت ناروشن روزنامه‌نگار ایرانی از دولت فرانسه خواسته بود که برای نجات جان فرج سرکوهی تلاش کند... با این همه، محاکمه‌ی فرج سرکوهی از دوشنبه ۲۲ ژوئن در پشت درهای بسته آغاز شد. محمد یزدی رئیس قوه‌ی قضائیه‌ی جمهوری اسلامی در ۲۲ ژوئن این خبر را تأیید کرد. او اعلام نمود که فرج سرکوهی به خاطر جاسوسی برای یک کشور بیگانه و تلاش برای خروج غیر قانونی از کشور محاکمه می‌شود و افزود که سرکوهی می‌تواند از حق داشتن وکیل برخوردار باشد. اما دادگاه او بطور غیر علنی صورت می‌پذیرد. جمهوری اسلامی در خواست بسیاری از افراد و سازمان‌های بشر دوست جهانی برای شرکت یا بعنوان ناظر در دادگاه فرج سرکوهی را بی پاسخ گذاشت. خانواده فرج سرکوهی در همان روز دوشنبه ۲۳ ژوئن اعلام کرده بود که دستگاه قضائی اسلامی نه اجازه شرکت در دادگاه را به آنها داده، نه اطلاعی در مورد محل برگزاری آن و نه امکان گرفتن وکیل برای فرج سرکوهی. به دنبال آغاز محاکمه فرج سرکوهی جامعه‌ی حقوق بشر فرانسه با انتشار اطلاعیه‌ای نحوه‌ی برگزاری این دادگاه را شدیداً محکوم کرد و از وزیر امور خارجه فرانسه خواست که فعلاً برای نجات جان روزنامه‌نگار ایرانی دخالت کند. از سوی دیگر، سازمان خبرنگاران بدون مرز «نیز در نامه‌ی جدید خطاب به رئیس جمهور فرانسه و هلموت کهل صدر اعظم آلمان فدرال از آنها خواست که برای آزادی فرج سرکوهی به دولت

ایران فشار آورند و مادام که دولت ایران قوانین بین‌المللی و حقوق فردی را محترم نشاخته از فرستادن سفرای خود به این کشور اجتناب ورزند. در ۲۵ ژوئن اجلاس سران ۱۵ کشور عضو اتحادیه‌ی اروپا در خاتمی نشست خود رسماً اعلام کرد که در حال حاضر بازگرداندن سفرای خود به ایران را به تمویق می‌اندازد. بسیاری از روشنفکران و نویسندگان آلمان و همچنین سندیکای روزنامه‌نگاران این کشور در نامه‌ای خطاب به صدراعظم آلمان خواستار دخالت آلمان برای نجات جان سرکوهی شد. و این در حالی بود که حزب سوسیال دموکرات آلمان نیز اتهامات جمهوری اسلامی علیه فرج سرکوهی را واهی و بی اساس خواند. در فرانسه نیز آتین بالیبار، فیلسوف سرشناس فرانسوی با انتشار مقاله‌ای در روزنامه‌ی لوموند (۲۶ ژوئن) افکار عمومی را برای نجات جان فرج سرکوهی فراخواند. «کمیته‌ی ایرانی مبارزه با سرکوب و تروریسم دولتی جمهوری اسلامی» و «انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی ایران» شنبه ۲۸ ژوئن ایرانیان را برای نجات جان فرج سرکوهی به یک گردهم آیی در میدان تروکانورو پاریس دعوت کرد. در این گردهم آیی نماینده‌ی «کمیته‌ی دفاع از سلمان رشدی در فرانسه» نیز شرکت و سخنرانی نمود و همبستگی خود را با تلاش‌های دائمی ایرانیان و افکار عمومی غرب برای نجات جان فرج سرکوهی اعلام کرد.

## نامه‌ی سرگشاده ۱۳ نفر

### روشنفکران فرانسوی به دولت فرانسه

به ابتکار کمیته‌ی دفاع از سلمان رشدی در فرانسه، ۱۳ روشنفکر که نامشان در زیر آمده است با انتشار نامه‌ای سرگشاده، از دولت

جدید فرانسه خواسته‌اند تا زمانی که جمهوری اسلامی «رسماً از تروریسم و قتل مخالفان خود دست نکشیده و فتوای قتل سلمان رشدی را لغو نکرده» از بازگرداندن سفیر فرانسه به تهران و برقراری روابط دیپلماتیک با دولت ایران خودداری کند.

در این نامه آمده است: «از زمانی که رژیم ملایان در ایران به قدرت رسیده است، در فوریه ۱۹۷۹، بیش از صد مخالف ایرانی در تبعید با گرایش‌های مختلف سیاسی را (تعداد زیادی در اروپا و هشت نفر در فرانسه) ترور کرده است. این رژیم بارها حکم به قتل رساندن سلمان رشدی را «در هر کجا که باشد» تأیید و تجدید کرده است.

امضاء کنندگان نامه هشدار می‌دهند که: «بازگشت سفیران اتحادیه اروپا به ایران به معنای باز گذاشتن دست رژیم ایران برای ارتکاب آدم‌کشی‌های دیگر در ایران و همچنین در خاک اروپا خواهد بود. این اقدام باعث دلسردی مردمی در ایران خواهد شد که خواهان یک بدیل (آلترناتیو) لائیک و دموکراتیک در کشور خود هستند.

اسامی امضاء کنندگان:

- ۱- میشل دگی
- ۲- ژاک دریدا
- ۳- دریس الیازی
- ۴- مکود لانزمان
- ۵- هانری لوکلرک
- ۶- کلود لوفور
- ۷- بُنوا مِلی
- ۸- تری میسان
- ۹- جامل اوپشو
- ۱۰- پیر پاشه
- ۱۱- مارتین پوآن
- ۱۲- مادلن رویرو
- ۱۳- کریستیان سالون

## بیانیه مطبوعاتی

خانم فریده زیرجد (سرکوهی)

یک روز پس از فاش شدن تاریخ برگزاری دادگاه فرج سرکوهی از سوی بستگانش،

رئیس قوه قضایی جمهوری اسلامی ایران به یکی از خبرنگاران خارجی که به پیگیری موضوع پرداخته می‌گوید:

«نمی‌دانم دادگاه تشکیل شده است یا نه؛ اما اگر تشکیل نشده باشد، در دو سه روز آینده تشکیل می‌شود... (چون) شخصاً دستور داده‌ام تحقیقات مربوط به پرونده فرج پایان بگیرد و دادگاه او تشکیل بشود». و این در حالیست که مقامات وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی، در روز ۲۹ ماه مه ۱۹۹۷، به فرج و خانواده‌اش خبر داده بودند که «دادگاه تا ۱۰ روز دیگر تشکیل می‌شود». اما این دادگاه تشکیل نمی‌شود و تا روز یکشنبه ۲۲ ماه ژوئن، که مقامات وزارت اطلاعات بار دیگر به خانواده‌اش خبر دادند «دادگاه تا دو روز دیگر تشکیل می‌شود».

ایت‌الله یزدی در همین مصاحبه‌ی مطبوعاتی اظهار می‌کند «فرج سرکوهی به اتهام جاسوسی و همچنین خروج غیر قانونی از کشور محاکمه می‌شود». در این چند سال گذشته، گرچه روزنامه‌های وابسته به حکومت بارها دگراندیشان ایران را متهم به جاسوسی کرده‌اند و فرج نسبت به این اتهام به عنوان مضمون اصلی توطئه علیه خویش در دو نامه ابراز نگرانی کرده است؛ اما تا تاریخ برگزاری این مصاحبه هیچ‌یک از مقامات بلند پایه‌ی جمهوری اسلامی ایران فرج را جز به اقدام به خروج غیر قانونی از ایران متهم نکرده بود؛ نه در جریان ۷ روز ناپدید شدنش، نه در دوران ۲۷ روزه‌ی پیش از بازداشت رسمی‌اش، و نه در این هشت ماهی که در زندان بسر برده است. پس پرسیدنی است چرا در آستانه‌ی برگزاری دادگاه، چنین اتهام سنگینی علیه او پیش کشیده می‌شود؛ و آن هم از سوی عالی‌ترین مقام قضایی کشور که حتی از افشای این‌که فرج برای چه دولتی جاسوسی می‌کرده و چگونه جاسوسی می‌کرده، ابا دارد. بالاترین مقام قضایی جمهوری اسلامی حتی وقتی می‌پذیرد دادگاهی در جریان است از اینکه به روشنی بگوید «...دادگاه علنی است یا نیمه علنی و یا که در پشت درهای بسته تشکیل می‌شود...» سرباز می‌زند و تصمیم در باره‌ی این مهم را به رئیس دادگاه وامی‌نهد. اما از پیش پیداست که این بار هم سرنوشت همسرم در پشت درهای بسته تعیین می‌شود. تاملی بر آنچه در این ۲۳۶ روز بر فرج رفته، جای تردید نمی‌گذارد که طرح «...نکات معینی که به

حیثیت متهم آسیب می‌رساند...» بهانه‌ی بی‌مقداریست برای سرباز زدن از برگزاری دادگاه علنی.

رئیس قوه قضائیه ایران مدعست که «سرکوهی از حق داشتن وکیل مدافع و اعتراض به حکم دادگاه برخوردار است». چگونه؟ در این چند ماه گذشته که فرج در زندان بوده نه وکیلی داشته و نه از حق داشتن وکیل برخوردار بوده. خانواده‌اش هم حتا تا همین امروز حق دیدار با او را نداشته‌اند. در این حالت آیا پیش کشیدن «حق برخورداری از وکیل مدافع»، جز برای مصرف تبلیغاتی است؟ در هر حالت، می‌خواهم همسرم از ابتدایی‌ترین حق هر متهم بهره‌مند شود و وکیلی مستقل و مورد تأیید نهادهای بین‌المللی مدافع حقوق بشر، وکالت او را به عهده گیرد.

آقای یزدی شرکت ناظران حقوقی بین‌المللی را در جلسات این دادگاه رد نمی‌کند، به درستی این ادعا نیز تردید دارم؛ به ویژه آنکه می‌افزاید «تصمیم در این باره به عهده‌ی قاضی دادگاه است». اگر می‌خواستند ناظری در این دادگاه شرکت کند، دستکم تاریخ تشکیل دادگاه را رسماً و از مدتی پیش اعلام می‌کردند. با این همه برای رئیس قوه قضایی کشور دشوار نیست که از قدرت و اختیارات خود استفاده کند و امکان شرکت یک ناظر بین‌المللی را در این دادگاه فراهم آورد.

آقای یزدی در پایان مصاحبه‌ی مطبوعاتی‌اش اظهار می‌دارد «قانون نباید به سیاست آلوده شود». رئیس قوه قضایی جمهوری اسلامی ایران در فکر فریب کیست؟ مگر این اولین باریست که یک روشنفکر دگراندیش و دگر خواه، به اتهامی واهی مورد تعدی و تجاوز حکومت ایران قرار می‌گیرد و زندگی‌اش در معرض خطر واقع می‌شود، و مگر جز این است که جرم فرج سرکوهی پیگیری در مبارزه برای آزادیست؛ آزادی اندیشه و بیان در ایران. از اینرو از همه‌ی کسانی که به آزادی اندیشه و بیان باور دارند و به آن پایبندند در خواست می‌کنم به اعتراض علیه این دادگاه ساختگی دست زنند. آنچه تاکنون جان فرج را نجات داده‌همین صداهای اعتراض بوده است. در این روزهای حساس هم باید به همین صداها امید بست.

فریده زیرجد

۲۵ ژوئن ۱۹۹۷

## بازهم حکم اعدام

بنا به اطلاعیه‌ی صادره توسط سازمان فدائیان - اقلیت، سه تن از هواداران این سازمان به نامهای حسن کریمی نیا، مهرداد احسانی و سعید جوادی، در یک بیدادگاه اسلامی به اعدام محکوم شده‌اند. این سه نفر از سال ۷۰ در زندان بسر می‌بردند. حکم اخیر توسط یک حاکم شرع بنام نیری صادر شده است. این سازمان برای نجات جان سه زندانی یاد شده که در انتظار مرگ قرار دارند از افکار عمومی جهانی استمداد جسته است.

## باز هم ترور

به گزارش دفتر نمایندگی حزب دمکرات کردستان ایران در پاریس، روز ۱۹۹۷/۶/۲۴ اتومبیل حامل سه تن از بیماران این حزب در راه بیمارستان شهر سلیمانیه مورد حمله‌ی تروریستهای جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته و یکی از آنان بنام فرهاد بابانی به قتل رسیده و دوتن دیگر به سختی مجروح شده‌اند. در این اطلاعیه نسبت به بی‌تفاوتی دستگاههای اداری و نیروهای حاکم بر کردستان عراق، در برابر این قبیل اقدامات تروریستی رژیم ایران اعتراض شده است.

## راهپیمائی اعتراضی در هانور

روز شنبه ۱۲/۷/۹۷ به دعوت کمیته دفاع از آزادی اندیشه، قلم، بیان و اجتماعات در ایران - هانور در اعتراض به سیاست‌های جمهوری اسلامی در رابطه با اعدام و شکنجه زندانیان سیاسی، سیاست‌های تروریستی و آدم‌ربایی و نیز حمایت از اعتصاب غذای زندانیان سیاسی ایران در زندانهای شیراز، اصفهان، اهواز و تبریز که تا کنون منجر به جان باختن ۶ تن از زندانیان سیاسی بر اثر اعتصاب غذای خشک و نیز اعدام ۷ تن از آنان شده است، راهپیمایی‌ای در مرکز شهر هانور با شرکت بیش از نوبست تن شرکت کننده برگزار شد.

راهپیمایان با در دست داشتن دو چوبه اعدام و ماکت آخوندی که فردی را به بند کشیده بود با شعارهای زندانی سیاسی آزاد باید گردد، سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی و شعارهایی در رابطه با قطع شکنجه و اعدام، و توزیع هزاران اعلامیه در رابطه با نقض

حقوق بشر در ایران به زبان آلمانی، افکار عمومی مردم هانور را تحت تاثیر قرار دادند. در این راهپیمایی که از ساعت ۱۱ صبح شروع شد، آقای لیپلد عضو فراکسیون حزب سبزها و عضو کمیسیون سیاست خارجی در مجلس آلمان طی سخنانی ضمن حمایت از خواسته‌های راهپیمایان به افشای سیاست‌های جمهوری اسلامی در رابطه با نقض حقوق بشر پرداخت. همچنین نمایندگان حزب سوسیال دموکرات آلمان در مجلس ایالتی این استان با حمایت از این اکسیون، قرار است خواسته‌های این کمیته را در مجلس ایالتی و مجلس فدرال آلمان طرح کنند.

در پایان راهپیمایی قطعنامه‌ای مبنی بر نقض حقوق بشر و آزادی بی قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی در ایران قرائت شد که در آن از نواحتهای اروپایی و مجامع بین‌المللی خواسته شد، رژیم جمهوری اسلامی ایران را به خاطر نقض حقوق بشر، محکوم نمایند. کمیته دفاع از آزادی اندیشه، قلم، بیان و اجتماعات در ایران - هانور  
Kontakt Adresse: Iranisches Kulturzentrum (Gartenhaus)  
Am Judenkirchhof 11 C  
30167 Hannover  
Tel: 0511/716115  
Fax: 0511/1

## مرگ چهار تن

از زندانیان سیاسی زندان تبریز بر

اثر اعتصاب غذا

۷ تن از زندانیان سیاسی زندان اصفهان به دار آویخته می‌شوند

طبق اطلاعیه کانون زندانیان سیاسی ایران در تبعید (سوند)، چهار تن از زندانیان سیاسی زندان تبریز که از تاریخ نوم تیرماه همراه با عده‌ای دیگر بر اثر فشار بیش از حد زندانبانان دست به اعتصاب غذای خشک زده بودند، جان خود را از دست می‌دهند. اسامی آنها به شرح زیر است:

جعفر عباسی، از سازمان مجاهدین

عبدالرضا حامدی، از سازمان مجاهدین

حمیدرضا داداشی، از سازمان فدائیان (اقلیت) ۲۴ ساله، دستگیری سال ۱۳۷۰

مهرداد وثوقی، از سازمان فدائیان (اقلیت)

۲۹ ساله، دستگیری سال ۱۳۷۰

از سوی دیگر، روزنامه ایران‌زمین (۷ ژوئیه ۱۹۹۷) خبر می‌دهد که در زندان اصفهان، روز

یکشنبه ۸ تیرماه، هفت تن از زندانیان سیاسی را به طور مخفیانه به دار آویخته‌اند. بنا بر این خبر، یکی از اعدام شدگان محسن تونوی نام دارد که ساکن خیابان حسین‌آباد اصفهان بود.

## اقدامات قضائی

برای بحریان افتادن مجدد پرونده‌ی کاظم رجوی در سوئیس

رولان شاتلن، قاضی تحقیق پرونده قتل دکتر کاظم رجوی در یک کنفرانس مطبوعاتی در ژوئن گذشته در لوزان اعلام کرد که این احتمال قوی وجود دارد که بالاترین مراجع حکومتی جمهوری اسلامی در ترور دکتر کاظم رجوی دست داشته باشند. قاضی اضافه کرد که اقدامات قضائی برای بحریان افتاده مجدد پرونده قتل کاظم رجوی صورت گرفته است. وی گفت احتمال دارد وزیر اطلاعات کنونی جمهوری اسلامی، علی فلاحیان طراح و دستور دهنده‌ی قتل کاظم رجوی باشد. دکتر کاظم رجوی در ۲۴ آوریل ۱۹۹۰ در کانتون وود سوئیس به قتل رسید. ۲ شهروند ایرانی که مورد ظن مقامات سوئیس قرار گرفته بودند، پس از مدتی در خاک فرانسه، شناسائی و بازداشت می‌شوند. اما مقامات فرانسه از استرداد آنها به پلیس سوئیس خودداری می‌کنند و دو مظنون را به ایران بازپس می‌فرستند. قاضی سوئیس گفت که اکنون با اطمینان کامل به هویت و اسامی واقعی این دو مظنون پی برده است.

به دنبال سخنان قاضی رولان شت لن، قانونگذاران سوئیس نیز نوبت ایران را به مشارکت مستقیم در قتل کاظم رجوی متهم کرده‌اند و می‌گویند مدارکی که بر ضد دولت ایران در دست ما است، بمراتب مستدل‌تر و محکم‌تر از مدارکی است که در برلین بر ضد حکومت جمهوری اسلامی عرضه شده است!! بدنبال گزارش دیوان عالی سوئیس در زمینه‌ی احتمال دخالت رژیم ایران در ترور کاظم رجوی، حکم بازداشت سیزده ایرانی مظنون به همدستی در این ترور صادر شد. پلیس سوئیس اسامی آنها را در اختیار پلیس بین‌المللی قرار داده است.

## حکم اعدام يك ایرانی در تایلند تأیید شد

به گزارش خبرگزاری فرانسه، حکم اعدام يك ایرانی به نام حسین دسگری که در سال ۱۹۹۴ قصد داشت سفارت اسرائیل در بانکوک را منفجر کند و در يك دادگاه جنائی محکوم به اعدام شده بود، در ۱۰ ژوئن گذشته، در يك دادگاه تجدید نظر، تأیید شد. این فرد که مطبوعات تایلند از او بعنوان مأمور جمهوری اسلامی نام می‌برند، قصد داشته است با يك وانتی که در آن بمب پر قدرتی کار گذاشته شده بود و يك جسد نیز در آن بود، سفارت اسرائیل در بانکوک را منفجر کند، اما بطور اتفاقی بر اثر يك تصادف، در نزدیکی محل سفارت اسرائیل، نقشه وی نقش بر آب می‌شود. پس از مدتی او را دستگیر و زندانی می‌کنند. دستگیری او مورد اعتراض سفارت جمهوری اسلامی در بانکوک قرار می‌گیرد که طبق معمول ماجرا را به توطئه صهیونیست‌ها نسبت می‌دهد.

## سالگشت ترور دکتر مظلومان

رژیم جمهوری اسلامی ایران در سال گذشته، دکتر مظلومان را در پاریس ترور کرده است. قاتلین این جنایت در آلمان بازداشت شده‌اند. جای پای آشکار رژیم جمهوری اسلامی در سازماندهی این ترور به خوبی برای نوبت فرانسه پیداست. اما فرانسه هم چنان در همسازي با رژیم ترور و سرکوب ایران، به توطئه سکوت دست زده است!! این مامشات شرم‌آور در شرایطی است که قاضی شجاع آلمان، علیرغم همه‌ی فشارها، دست رژیم آتمکش اسلامی ایران را برای جهانیان برملا کرده است!

کمیته ما يك بار دیگر بیزاری و نفرت خود را از عاملین این جنایت اعلام می‌دارد و با خانواده دکتر مظلومان همدردی می‌کند. در زیر خلاصه‌ای از گزارش مجله روزگار نو را در باره این جنایت که در شماره خرداد ۷۵ خود آورده است، نقل می‌کنیم:

«وقتی ساعت يك و نیم بعد از ظهر روز نهمین به هشتم خرداد ماه، «آن» يك بانوی فرانسوی که به حرکت‌های آزادیخواهانه‌ی ایرانیان علیه نظام مستبدانه‌ی حاکم بر ایران صمیمانه عشق می‌ورزد، در آپارتمان محل سکونت دکتر مظلومان در برج شماره ۱ ساختمان‌های Choux در کرتی Cre-teil که در عین حال دفتر روزنامه‌ی «پیام ما آزادگان» نیز هست باز کرد، حتی از مخپله‌اش نمی‌گذشت که با يك صحنه‌ی خونین روبرو خواهد

شد.

آن دو، شب پیش تا نزدیکی‌های ساعت نه شب، با هم بر روی صفحه‌بندی آخرین صفحات روزنامه، کار کرده بودند و در موقع خداحافظی دکتر مظلومان کلید آپارتمان را به وی داده بود تا روز بعد هر وقت فرصت کرد بیاید و بر چسب نشانی مشترکین را روی روزنامه‌ها بچسباند.....

خانم فرانسوی تا نزدیکی‌های ساعت نه شب در آنجا باقی می‌ماند و بعد منزل دکتر مظلومان را ترک می‌کند.

در حدود ساعت ده و نیم یکی از همسایگان، شبح دو نفر را که در راهرو به طرف آپارتمان دکتر مظلومان می‌رفته‌اند دیده و تأیید کرده است که هیکل یکی از دو نفر با مشخصات احمد جیحونی وفق می‌دهد.

کمی بعد از آن يك همسایه‌ی دیگر صدای خفه‌ی سه گلوله را می‌شنود و خیال می‌کند که صدا از خارج از ساختمان آمده است و چند دقیقه بعد صدای پای تند کسانی در راهرو و سپس در پله‌ها بگوش می‌خورد. قاعدتاً هر دو نفر، بجای گرفتن آسانسور که می‌توانسته است آنان را با یکی از همسایگان روبرو کند، از راه پله‌ها می‌گریزند که معمولاً مورد استفاده‌ی کسی نیست و برای آنکه موقع خروج با هیچگونه مشکلی روبرو نشوند، قفل یکی از درهای ورودی را هم قبلاً شکسته بوده‌اند.

ساعت سه و نیم بعد از ظهر روز بعد، یکی نو تن از ایرانیان از طریق پلیس از ماجرا خبردار می‌شوند و بعد خبر به وسائل ارتباط جمعی نرزد می‌کند و کمی بعد از ساعت چهار روی تلکس خبرگزاری فرانسه قرار می‌گیرد و کمی بعد از رادیوی "Franceinfo" خبر پخش می‌شود.

بعد از پخش خبر ابتدا یکی از نوبستان دکتر مظلومان «س.س» و کمی بعد یکی دیگر از نوبستان وی «ح.ع» خود را به خانه‌ی او می‌رسانند. پلیس «آن» فرانسوی و «س.س» ایرانی را به مرکز پلیس منتقل می‌کند و جلوی ورود همه را به داخل آپارتمان که مورد تفتیش پلیس بود قدغن می‌کند. پلیس در حدود ساعت چهار، تقریباً مطمئن می‌شود که دست جیحونی در این ماجرا آلوده است، بخصوص که یکی از رهبران معروف اپوزیسیون از چهار سال پیش نسبت به این موضوع مشکوک بود و اطلاعات خود را به پلیس فرانسه و پلیس آلمان نیز داده بوده است و وقتی موضوع ارتباط او با حکومت تهران به تأیید می‌رسد، پلیس فرانسه ورود «احمد جیحونی» را به خاک فرانسه ممنوع می‌کند. با اینحال او بخاطر اینکه مرز مشترک آلمان و فرانسه باز است و در آن بازرسی بعمل نمی‌آید، گاه بگاه به فرانسه می‌آمده است.

در ساعت چهار صبح با کمک پلیس آلمان عکس «احمد جیحونی» در اختیار پلیس فرانسه قرار می‌گیرد و عکس برای اطمینان بیشتر به او شاهد نشان داده می‌شود و خانم فرانسوی تأیید می‌کند

که هم او شب گذشته به اتفاق يك نفر دیگر به خانه‌ی دکتر مظلومان آمده‌اند و با کمک وی «تصویر Robot» نفر سوم نیز تهیه می‌شود و يك روز بعد پلیس نفر سوم را نیز می‌شناسد و عکس دقیق وی را نیز به دست می‌آورد. لیکن به دلایل واضح از دادن هر نوع اطلاع اضافی به اطرافیان مقتول خودداری می‌کند. ظاهراً این مرد بیست و پنجساله که مطلقاً برادرزاده‌ی احمد جیحونی نیست و آقای «م» نام دارد به کشور خود در خاورمیانه (!! بازگشته است.

پلیس آلمان احمد جیحونی را در یکی از حومه‌های «بن» دستگیر می‌کند. يك بازپرس فرانسوی برای شرکت در بازجویی وی به آلمان می‌رود و يك قاضی آلمانی نیز برای بررسی پرونده‌ی امر به فرانسه می‌آید.....

دکتر مظلومان نماینده‌ی يك طرز فکر خاص بود. ترکیبی از عشق به ایران و مظاهر فرهنگی آن و کینه و نفرت به چیزی که خود وی آنرا فرهنگ خشن وارداتی می‌نامید. با این طرز تفکر بخصوص به آن شکل «رادیکال» که وی با امضای کوروش آرپامنش عرضه می‌کرد، می‌توان موافق بود. می‌توان مخالف بود. ولی نمی‌توان شجاعت صادقانه‌ی وی را در بیان عقایدش که بالاخره نیز به کشته شدن وی انجامید تحسین نکرد.»

نشانی کمیته:

C. I. C. R. E. T. E  
42Rue MONGE  
75005 PARIS - FRANCE  
FAX 33 - 1- 43 44 14 52

شماره‌ی حساب پستی

برای کمک‌های مالی:

C. C. P.  
3943263 W L A Source  
FRANCE

آپترنت:

Homepage: <http://ourworld.compuserve.com/homepages/Iran-rep>  
Email: [Iran-rep@compuserve.com](mailto:Iran-rep@compuserve.com)